

مسلك سوم : وقایع پس از حادثه عاشورا ؛ 10 - توبه و شهادت پیر مرد شامی

توبه و شهادت پیر مرد شامی- راوی گوید: در آن اثناء که اهل بیت را نزدیک درب مسجد نگاه داشته بودند، پیر مردی به نزد زنان عصمت و طهارت آمد و این سخنان را به زبان راند: حمد خدا را که شما را بکشت و بلاد را از فتنه مردان شما خلاص نمود امیر المؤمنین یزید را بر شما مسلط ساخت حضرت . سید الساجدین (علیه السلام) در جواب او، فرمود: ای شیخ ! آیا قرآن / قراءت القرآن؟؟).

مسلك سوم : وقایع پس از حادثه عاشورا ؛ 10 - توبه و شهادت پیر مرد شامی

- راوی گوید: در آن اثناء که اهل بیت را نزدیک درب مسجد نگاه داشته بودند، پیر مردی به نزد زنان عصمت و طهارت آمد و این سخنان را به زبان راند: حمد خدا را که شما را بکشت و بلاد را از فتنه مردان شما خلاص نمود امیر المؤمنین یزید را بر شما مسلط ساخت حضرت . سید الساجدین (علیه السلام) در جواب او، فرمود: ای شیخ ! آیا قرآن قراءت القرآن؟؟).

قال : نعم .

قال : ((فهل عرفت هذه الآية : (قل لا اءساءلكم عليه اجرا الا المودة فى القربى))؟).

قال الشيخ : قد قراءت ذلك .

فقال له على (عليه السلام): ((نحن القربى يا شيخ ، فهل قراءت فى بنى اسرائيل : (و آت ذالقربى حقه)؟).

فقال الشيخ : قد قراءت ذلك .

فقال : ((فنحن القربى يا شيخ ، فهل قراءت هذه الآية : (واعلموا انما غنمتم من شىء فان لله خمس و للرسول ولذى القربى).

قال : نعم .

فقال (عليه السلام): ((فنحن القربى يا شيخ ، و هل قراءت هذه الآية : (انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهيرا)؟).

قال الشيخ : قد قراءت ذلك . فقال على (عليه السلام): ((نحن اهل البيت الذين خصنا الله بأية الطهارة يا شيخ .

خوانده ای ؟ گفت : بلی . حضرت فرمود: این آیه را دیده ای که خداوند متعال فرموده : (قل لا اسئلكم... (35))، یعنی ای پیغمبر! به این امت بگو که من از شما برای ابلاغ رسالتم اجری نمی خواهم مگر آنکه درباره اقرباء و خاندانم دوستی نمایید)).

آن شیخ عرض کرد: بلی ، این آیه شریفه را تلاوت نموده ام .

امام سجاد (علیه السلام) فرموده : ماییم ((ذوی القربى)) که خدا در قرآن فرموده است . سپس فرمود: ای شیخ ! آیا این آیه را خوانده ای : (و آت ذالقربى حقه (36))؛ یعنی ای پیغمبر ما، حق اقرباء خود را به ایشان برسان . آن پیر مرد گفت : بلی ، این آیه را هم قرائت کرده ام .

امام سجاد (علیه السلام) فرمود: ما خویشان پیامبر هستیم . امام (علیه السلام) ادامه داد که ای شیخ این آیه را خوانده ای :

(واعلموا انما... (37))، یعنی بدانید هر گونه غنیمتی به دست آوردید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای ذوی القربى است). پیر مرد گفت : آری ، این آیه را نیز خوانده ام .

امام سجاد (علیه السلام) فرمود: آن ((ذوی القربى)) ما هستیم .

سپس امام فرمود: آیا آیه تطهیر را خوانده ای که خداوند متعال می فرماید: (انما يريد... (38))؛ یعنی خداوند می خواهد که از شما اهل بیت هر پلیدی را بزدايد و شما را چنانکه باید و شاید پاکیزه بدارد. پیرمرد گفت : این آیه را نیز تلاوت کرده ام . امام فرمود: ماییم آن اهل بیت که خدا تخصیص داد ما را به نزول آیه تطهیر.

قال الراوى : بقى الشيخ ساكتا نادما على ما تكلم به ، و قال : تالله انكم هم ؟!

فقال على بن الحسين (عليه السلام): ((تالله انا نحن هم من غير شك ، و حق جدنا رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) انا نحن هم)).

قال : فبكى الشيخ و رمى عمامته ، ثم رفع رءسه الى السماء و قال : اءللهم انى اءبرء اليك من عدو آل محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) من الجن والانس .

ثم قال : هل لى من توبة ؟

فقال له : ((نعم ، ان تبت تاب الله عليك و اءنت معنا)).

فقال : اءنا تائب .

فبلغ يزيد بن معاوية حديث الشيخ ، فامر به فقتل .

قال الراوى : ثم اءدخل ثقل الحسين (عليه السلام) و نساؤه و من تخلف من اءهله على يزيد، و هم مقرنون فى الحبال .

راوی گوید: آن پیرمرد پس از استماع این کلام از فرزند خیر الانام زبان از گفتار فروبست و از گفته های خود پشیمان گشت و از روی شگفت و تحجب ، آن حضرت را سوگند داد که آیا شما همان اهل بیت حضرت رسول هستید؟!

امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: به خدا سوگند که ما همان اهل بیت پیامبریم . و در این خصوص مجال هیچ شک و شبهه ای نیست و به حق جد ما رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) سوگند که ماییم اهل بیت خاتم الانبیاء.

پیرمرد چون از حقیقت حال مطلع گشت اشک از چشمانش جاری گردید و عمامه را از سر برداشت و بر زمین انداخت و سر را به سوی آسمان بلند نمود و گفت : خداوند! من بیزارم از آن کسی که دشمن آل محمد است چه از جن باشد و چه انس . سپس عرض نمود: آیا توبه من قبول می شود؟

امام (علیه السلام) فرمود: اگر تو به نمایی ، خدا توبه تو را می پذیرد و تو در آخرت با ما خواهی بود آن پیرمرد عرض نمود: من از کردار خویش توبه کردم و نادم شدم . چون این خبر به یزیدبن معاویه - علیهما الهاویة - رسید، حکم نمود آن پیرمرد را به قتل رسانند.

پی نوشت

35- سوره شوری (42)، آیه 23.

36- سوره اسراء (17)، آیه 26.

37- سوره انفال (8)، آیه 41.
38- سوره احزاب (33)، آیه 33.